DOI: *10.29252/rbs.19.1.45*

Journal of Research in Behavioral Sciences

Year 2021, Volume 19, Issue 1

The Effectiveness of Therapy for Gender Equity Based on Religious Doctrines on Gender Role Schema and Psychological Capital in Girls to Delay Marriage Age

Mahsa Jorjorzadeh[1], Parvin Ehtesham Zadeh[2], Reza Pasha[3], Fatemeh Sadat Marashian[4]

1. Ph.D student in Psychology, Islamic Azad University, Ahvaz Branch, Ahvaz, Iran.
2. (Corresponding author)* Assistant professor in psychology, Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
3. Associate professor in Psychology, Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
4. Assistant professor in psychology, Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

Abstract

Aim and Background: Increasing the age of marriage of young people, biological celibacy and the problems of late marriage, especially for girls, is an issue that must be addressed seriously. In particular, it creates a variety of psychological and social problems for single people. The aim of this study was to develop a gender justice training package based on religious teachings and its effectiveness on psychological capital and the gender role schema of girls with delayed marriage.

Methods and Materials: The design consisted of two parts, qualitative and quantitative. In the qualitative part, the inference was analytical and in the quantitative part, it was experimental and pre-test-post-test with the control group. The statistical population included single girls (45-30 years old) referring to mental health centers in Tehran. Thirty people were selected as a sample by purposive sampling method and were randomly divided into two groups of 15 people (experimental and control groups). The members of the experimental group underwent a researcher-made training package on gender justice based on group religious teachings for 8 sessions. The control group did not receive any intervention. The research tools included the psychological capital questionnaire of Vetanz et al., Bam gender schemas. Research data were analyzed by multivariate analysis of covariance.

Findings: Results: The results showed that gender justice education based on group religious teachings was effective in increasing psychological capital and improving the gender role schemas of girls with delayed marriage (p<.001).

Conclusions: It seems that the need to apply gender justice based on religious teachings in order to improve the psychological capital and gender role schemas of girls with delayed marriage.

Keywords: Justice, psychological capital, gender role schema, girls, marriage.

Citation: Jorjorzadeh M, Ehtesham zadeh P, Pasha R, Marashian FS. **The Effectiveness of Therapy for Gender Equity Based on Religious Doctrines on Gender Role Schema and Psychological Capital in Girls to Delay Marriage Age**. Res Behav Sci 2021; 19(1): 45-57.

* **Parvin Ehtesham Zadeh,**
Email: P_ehtesham85@yahoo.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.1.8.5]
[DOI: 10.52547/rbs.19.1.45]

اثربخشی درمان عدالت‌خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه‌های دینی بر طرحواره نقش جنسیتی و سرمایه فکری دختران با تاخیر در ازدواج

مهسا جرجرزاده[۱]، پروین احتشام زاده[۲]، رضا پاشا[۳]، فاطمه سادات مرعشیان[۴]

۱- دانشجوی دکتری تخصصی، گروه روان‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲- (نویسنده مسئول)* استادیار گروه روان‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۳- دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۴- استادیار گروه روان‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بالا رفتن سن ازدواج جوانان، تجرد زیستی و مشکلات ازدواج دیرهنگام بخصوص برای دختران، مسئله‌ای است که باید به شکل جدی به آن پرداخته شود. بویژه که، مشکلات روانی و اجتماعی متنوعی را برای افراد مجرد ایجاد می‌کند. پژوهش حاضر، با هدف تدوین بسته آموزشی عدالت‌خواهی جنسیتی بر اساس آموزه‌های دینی و اثربخشی آن بر سرمایه روان‌شناختی و طرحواره نقش جنسیتی دختران با تاخیر در ازدواج انجام گردید.

مواد و روش‌ها: طرح از دو بخش کیفی و کمی تشکیل شد. در بخش کیفی، استنتاج تحلیلی و در بخش کمی، آزمایشی و از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل دختران مجرد (۳۰-۴۵ سال) مراجعه کننده به مراکز بهداشت روان شهر تهران بود که تعداد ۳۰ نفر به روش هدفمند به عنوان نمونه انتخاب و به روش تصادفی ساده در دو گروه ۱۵ نفری (گروه آزمایش و گواه) جایگزین شدند. اعضای گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه تحت بسته آموزشی محقق ساخته عدالت‌خواهی جنسیتی بر اساس آموزه‌های دینی گروهی قرار گرفتند.گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه سرمایه روانشناختی وتانز و همکاران ، طرحواره های جنسیتی بم بود. داده‌های پژوهش به وسیله آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیری مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که آموزشی عدالت‌خواهی جنسیتی بر اساس آموزه‌های دینی گروهی بر افزایش سرمایه روان‌شناختی و بهبود طرحواره‌های نقش جنسیتی دختران با تاخیر در ازدواج مؤثر بود($p<۰/۰۰۱$).

نتیجه‌گیری: به نظر می رسد که ضرورت کاربرد عدالت‌خواهی جنسیتی بر اساس آموزه‌های دینی را در راستای بهبود سرمایه روانشناختی و طرحواره-های نقش جنسیتی دختران با تاخیر ازدواج خاطر نشان ساخت.

واژه‌های کلیدی: عدالت‌خواهی، سرمایه روان‌شناختی، طرحواره نقش جنسیتی، دختران، ازدواج.

ارجاع: جرجرزاده مهسا، احتشام زاده پروین، پاشا رضا، مرعشیان فاطمه سادات. **فهم اثربخشی درمان عدالت‌خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه های دینی بر طرحواره نقش جنسیتی و سرمایه فکری دختران با تاخیر در ازدواج**. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۴۰۰؛ ۱۹(۱): ۵۷-۴۵.

*- **پروین احتشام زاده،**

رایانامه: P_ehtesham85@yahoo.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.1.8.5]

[DOI: 10.52547/rbs.19.1.45]

مقدمه

اهمیت رویدادهای اجتماعی ازدواج در تغییرات سریع همسرداری در طول و جریان نوسازی و توسعه جوامع مختلف، همیشه مورد توجه بوده است، چرا که تغییر در زندگی و نیازهای جدیدی که در طول زمان در جامعه ایجاد می شود موجب تغییراتی در کیفیت رفتارهای انسانی می گردد که به نوبه خود تغییراتی را در جنبه های مختلف زندگی خانوادگی نظیر زمان ازدواج و تداوم زندگی زناشویی ایجاد می کند، و این امر ضرورت مطالعه مستمر و دقیق این واقعه حیاتی را در هر دوره زمانی و در جوامع مختلف، با بهره گیری از روش های مطالعاتی خاص ایجاد می کند (۱). علیرغم نفوذ اعتقادات مذهبی و ارزش های اجتماعی حاکم بر جامعه ایران، تأخیر در سن ازدواج می تواند تبعات اجتماعی زیادی به همراه داشته باشد (۲). دختران مجرد از یک طرف در معرض تبلیغات و ارزشهای جنبش های اجتماعی رهایی بخشی همچون فمنیست[1] ها قرار دارند. درنتیجه، ازدواج جایگاه قبلی اش را نزد آنان از دست داده و همانند سابق به منزلهٔ تنها سبک زندگی پذیرفته شده مورد قبول نیست و برخی از دختران ازدواج زودهنگام را عملی غیرعقلانی در شرایط کنونی اقتصادی و اجتماعی ارزیابی می کنند و آن را مانع پیشرفت فردی نظیر تحصیلات یا اشتغال می دانند. بنابراین، تصمیم می گیرند تا مهیا شدن شرایط مناسب و به دست آوردن موفقیت نسبی شخصی آن را به تأخیر بیندازند. اما از طرف دیگر آنان تحت فشارها و ارزشهای خانواده و هنجارهای سنتی جامعه برای ازدواج به موقع قرار دارند. تجرد زنان یک سبک زندگی جدید است که همچنان در فرهنگ جوامع سنتی این جمعیت هنوز به منزلهٔ یک استثنا نگریسته می شوند و در مورد آنان پیشداوری هایی وجود دارد (۳).

مطالعات نوربخش و همکاران (۴) نشان داد که این دختران از سلامت روانی و بهزیستی پایین‌تری برخوردارند. دلایل و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی تأخیر در ازدواج بسیار است که در این پژوهش مجالی به پرداختن برای آن نیست، اما مطالعات نشان داده است، تأخیر در ازدواج پیامدهای روانی و سلامتی بسیاری خواهد داشت؛ لذا توجه به مسائل سلامت عمومی، بهزیستی و خودکارآمدی دختران با تجرد طولانی یا تجرد قطعی در سال های آتی از اهمیّت بسیاری برخوردار خواهد بود که در این میان توجه به سرمایه‌ی روان‌شناختی[2] آن ها می تواند باعث بهبود میزان سلامتی و کارآمدی در زندگی آتی باشد. از نظر مفهومی سرمایه ی روان شناختی، یک حالت مثبت روان شناختی فردی از رشد و تحول است که حداقل از طریق چهار مشخصه قابل شناسایی است که عبارت از خودکارآمدی[3] (داشتن اطمینان به توانایی خود و انجام تلاش لازم و ضروری برای موفقیت در تکالیف چالش انگیز)، خوشبینی[4] (اسناد مثبت نسبت به موفقیت در حال و آینده)، امیدواری[5] (پشتکار و پافشاری در مسیر اهداف و در صورت ضرورت تغییر مسیر برای دستیابی به موفقیت) و تاب آوری[6] (به معنای داشتن انعطاف پذیری برای دستیابی به موفقیت و اهداف در زمان روبرو شدن با دشواری و مشکلات) هستند (۵). بنابراین سرمایه‌ی روان شناختی با توجه به جنبه‌های مثبت آن از جمله مفاهیم و سازه‌های بهنجار مورد توجه و مطالعه‌ی روانشناسان مثبت در تمام قشرها و تمام مراحل سنی است.

خفتان و همکاران (۶) با پژوهش بر روی جمعیت بالینی نشان دادند که خودکارآمدی در افراد متأهل مبتلا به صرع بالاتر از افراد مجرد مبتلا به این بیماری هستند. اما، می توان احتمال آن را داد که تجردگرایی اجباری یا اختیاری دختران، باعث ایجاد طرحواره ها و کلیشه های جنسیتی[7] در آنان شود. از آنجایی که تصور فرد از خودش و دیگران بر نحوه رفتار فرد با دیگران تأثیر می گذارد، گمان می رود که طرحواره های جنسیتی بر فرایند پردازش اطلاعات جنسیتی و همچنین هدایت رفتار با دیگران هم مؤثر باشند. طرحواره های جنسیتی ارتباط نزدیکی با خود پنداره دارند و افراد تا حدودی طرحواره های جنسیتی مختلفی دارند و این تغییر محتوا شاید نتیجه انواع اطلاعاتی است که فرد در خانواده و فرهنگ و جامعه در رابطه با جنسیت در سراسر دوران زندگی خود با آن مواجه شده است(۷). اما در اهمیت طرحواره های جنستی در دختران به ویژه قشر مجرد، می توان به این یافته اشاره کرد که تقویت کلیشه‌های جنسیّتی منفی در زنان، به کاهش خصوصیات مثبتی برای رشد و تعالی فردی و اجتماعی آن‌ها منجر شده است (۸). بالا رفتن سن، فشارهای

1 feminism

2 psychological capital
3 self-efficacy
4 optimism
5 hope
6 resiliency
7 Stereotypes

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.1.8.5]
[DOI: 10.52547/rbs.19.1.45]

خانوادگی و اجتماعی بر آنان می تواند زمینه ساز شکل گیری عقاید و افکار قالبی یا کلیشه های مرتبط با تصویر جنسیتی شود. بسیاری از تفاوت های مردان و زنان در جایگاه های مختلف اجتماعی دارای منشأ زیست شناختی نیستند، چرا که محیطی اجتماعی و فرهنگی نقش مؤثری در جهت دهی به افکار و رفتاهای جنسیتی افراد جامعه دارد (۹). احساس طردشدگی، انزوا، افسردگی، اضطراب و پنداره منفی نسبت به خود احتمالا از چالش هایی است که دختران مجرد را به سمت کلیشه های جنسیتی منفی سوق می دهد. نتایج پژوهشی به تازگی نشان داده است بین تعدادی از باورهای غیرمنطقی یعنی نیاز به تایید دیگران، انتظار بالا از خود، تمایل به سرزنش، واکنش نسبت به ناکامی، بی مسئولیتی هیجانی، نگرانی زیاد توام با اضطراب، درماندگی نسبت به تغییر و کمال گرایی با نقش جنسی زنانگی مثبت و معنادار است (۱۰). طرحواره جنسیتی ارتباط نزدیکی با خودپنداره دارد (۱۱)، و با توجه به آنکه نتایج مطالعات حاکی از آنست که دختران مجرد خودپنداره پایین تری را گزارش کردند، می توان این طور استنباط کرد که آنان، طرحواره جنسیتی منفی تری را داشته باشند.

نکته قابل توجه این که طراحی طرح های مداخله ای ذکر شده، در خارج از ایران صورت گرفته است و مبتنی بر شناخت نیازهای دختران و زنان همان کشورها است، شاید نتوان گفت اجرای این نوع برنامه ها در ایران بی فایده است اما از یکسو جای خالی برنامه ای که به فراخور نیازهای ویژه دختران مواجه با پدیده تاخیر در ازدواج و به تناسب بافت فرهنگی-اجتماعی ایران طراحی شده باشد، حس می شود و از سوی دیگر به نظر می رسد نیاز به یک برنامه جامع تر و چند جانبه باشد که علاوه بر کار فردی و درمانی، زمینه را برای پیشگیری از آثار تأخیر در ازدواج بر دختران فراهم آورد. از طرفی نگاهی نقادانه به پژوهش هایی که در آن ها تلاش شده است تا با استفاده از درمان های روان شناختی به زنان و دختران در معرض مشکلات اجتماعی در جهت غلبه بر مسائل مختلف کمک شود، نشان می دهد که در اغلب موارد، رویکردهای مورد استفاده به تناسب و تطابق فرهنگی و بومی مورد نیاز در درمان که طی سال های اخیر توجه جدی به آن شده، چندان توجهی نشان نداده اند.

نتایج این پژوهش، می تواند علاوه بر فراهم سازی بستر برای ادامه ی پژوهش در حوزه ی عدالت‌خواهی جنسیتی، مسیر پژوهش و درمان را هموار سازد. از این رو، نتایج این تحقیق می تواند بخشی از خلاء مطالعاتی موجود در حوزه برنامه درمانی و آموزشی مربوط به عدالت‌خواهی جنسیتی براساس آموزهای فرهنگی و دینی را پر کند؛ از جمله این که درمان های مطابق با آن در کشورهای غربی در حال اجرا است که با زمینه های فرهنگی-اجتماعی کشورمان چندان سازگاری ندارد و درمان هایی از این قبیل عمر چندانی نداشته و اجرای آن با سوالات فراوانی مواجه است؛ مثلا درمان فمینیسم که براساس برابری در فرهنگ غربی بنا شده است، بیش از دیگر نظریه های رواندرمانی در کنار عوامل روان شناختی مسبب مشکلات افراد، به عوامل جامعه شناختی مثل تاثیر نقش های جنسیتی و زمینه های فرهنگی بر رشد اشخاص می پردازد.

با توجه به روند رو به رشد تجرد در میان و اثر عوامل مرتبط با سلامت اجتماعی و سازگاری عمومی در مقابله مؤثر زنان مجرد(مانند زنان مطلقه) با افکار و کلیشه های قالبی جنسیتی و تجهیز آنان به سرمایه های روان شناختی، و با در نظر گرفتن نقش مداخلات در کارکردهای روانی و اجتماعی آنان (رستمی، قزلسفلو، محمد لو و قربانیان، ۱۳۹۴)، عدم وجود آموزش هایی با زمینه های اجتماعی و فرهنگی در کشور، درمان عدالت‌جویی جنسیتی با هدف تغییر احساس، افکار قالبی و باورهای ناکارآمد روان شناختی با رویکرد سلامی –ایرانی، می تواند درمان یا آموزشی مؤثر بر مسائل و مشکلات دختران با تأخیر در ازدواج و یا دختران مجرد قطعی داشته باشد، بنابراین این پژوهش سعی در پاسخ گویی به این سؤال را دارد که آیا درمان مبتنی بر عدالت‌خواهی جنسیتی بر سرمایه‌های روان‌شناختی و طرحواره-های جنسیتی دختران مجرد قطعی اثر دارد؟

مواد و روش‌ها

به در این مطالعه از روش تحقیق ترکیبی از نوع طرح های اکتشافی استفاده شد. بخش کیفی پژوهش از نوع استنتاج تحلیلی و بخش کمی از نوع نیمه تجربی بود. محیط یا منبع پژوهش در بخش کیفی کتاب ها و آثار برخی بزرگان دینی مربوط با موضوع بود مانند مراجعه به منابع مربوط با موضوع، آثاربرخی فلاسفه و علماء دین، همچنین کاربرد آموزه های دین اسلام و آیات قرآنی در خصوص ارائه تعریف مفهوم عدالت خواهی جنسی، حق زن، و حضور زنان در جامعه و بهداشت روانی و سلامت زنان در شغل بود که از مبانی نظری و دیدگاه های عدالت جنسیتی علامه طباطبائی و آیت الله مطهری اتخاذ گردید. با استخراج مؤلفه های مشترک و متمایز اندیشه ی آنان،

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.1.8.5]
[DOI: 10.52547/rbs.19.1.45]

عواملی که منجر به تضعیف و تقویت عدالت خواهی جنسیتی می شد، استخراج و بر اساس آن بسته آموزشی بسته آموزشی عدالت خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه های دینی تدوین و روایی محتوایی بسته توسط ۵ نفر از متخصصین تأیید گردید. علاوه بر روایی محتوایی، به منظور بررسی روایی سازه بستهٔ آموزشی، تأثیر آن بر سرمایه روانشناختی و طرحواره نقش جنسیتی دختران با تاخیر در ازدواج مورد نظر لازم بود، که به این منظور، بسته ی آموزشی روی ۲۰ نفر از دختران (۱۰ نفر آزمایش) و (۱۰ نفر کنترل) اجرا شد و مشکلات و نواقص آن رفع گردید. تجزیه و تحلیل کوواریانس تک متغیره به طور مجزا صورت گرفت یافته های حاصل حاکی از تفاوت مشاهده شده بین میانگین نمرات طرحواره های جنسیتی برحسب عضویت گروهی (دو گروه آزمایش و کنترل) بوده است ($p<۰/۰۵$). بنابراین، نتایج حاصل از بررسی روایی سازه بسته آموزشی نشان داد تأثیر عدالت خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه های دینی بر اغلب مؤلفه های طرحواره نقش جنسیتی و سرمایه روانشناختی اثر بخشی خود را نشان داد. در بخش کمی، روش پژوهش نیمه تجربی (پیش آزمون و پس آزمون با استفاده از گروه آزمایش و کنترل) بود. جامعه آماری شامل دختران بالای ۳۰ سال مراجعه کننده به مراکز بهداشت و کلینیک های شهر تهران به منظور اخذ خدمات روان شناختی انتخاب شهر تهران که تاکنون ازدواج نکرده اند انتخاب این گروه سنی به عنوان جامعه آماری بدین خاطر بوده است که شرایط ایده آل ازدواج در بین زنان و مردان، علاوه بر تعیین کننده های اجتماعی، تابع تغییرات و محدودیت–های زیست شناختی است. چنان که برخی محققان اشاره کرده اند، ازدواج زنان و مردان در ایران در گستره سنی ۳۵–۱۲ سال برای زنان و ۴۰–۱۵سال برای مردان در نوسان است (۲). پس از گذر از این بازه سنی، احتمال ازدواج به ویژه در بین زنان به شدت کاهش می یابد و فرد مجرد وارد مرحله دیگری از زندگی خود می شود. براین اساس و با توجه به برخی خصوصیات و ویژگی های فرهنگی جامعه ایران، جمعیت هدف یا میدان مورد مطالعه در پژوهش حاضر عبارت بود از دختران بالای ۳۰ سال شهر تهران که تاکنون ازدواج نکرده اند. بدین منظور ۳۰ نفر به عنوان نمونه آماری تحقیق از طریق نمونه گیری داوطلبانه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایشی عدالت خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه های دینی (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) جایگزین شدند. گروه آزمایش به مدت دو ماه به ترتیب در معرض آموزش این بسته قرار گرفته و گروه کنترل از این امر مستثنا گردید. ملاک های ورود و خروج (ملاک ورود: دختران بالای ۳۰ با تجرد قطعی، کسب نمره یک انحراف معیار پایین تر از میانگین در پرسشنامه های طرحواره های جنسیتی و سرمایه های روان شناختی. ملاک های خروج، عدم همکاری، عدم انجام تکالیف ارائه شده در جلسات، غیبت بیش از ۲ جلسه، داشتن اختلالات روانی حاد یا مزمن، مصرف داروهای روان پزشکی، داشتن بیماری های جسمانی، نقص عضو، فرزند خواندگی).

پرسشنامه سرمایه روانشناختی: برای سنجش سرمایه روانشناختی از پرسشنامه سرمایه وتانز و همکاران (۲۰۰۸) استفاده شد. در این پرسشنامه از مقادیر استاندارد شده که به طور وسیعی ساختارهایی که امید، تاب آوری، خوشبینی و خودکارآمدی را می سنجند استفاده شده است و قابلیت اعتبار و پایایی این خرده مقیاسها نیز اثبات شده است. این پرسشنامه شامل ۲۴ سوال و هر خرده مقیاس شامل 4 گویه است و آزمودنی ها به هر گویه در مقیاس ۶ درجه ای لیکرت (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) پاسخ دادند. این پرسشنامه شامل ۴ زیرمقیاس : خودکارآمدی، امیدواری، تاب آوری و خوش بینی است برای بدست آوردن نمره سرمایه روانی ابتدا نمره هر خرده مقیاس به صورت جداگانه بدست خواهد آمد و سپس مجموع آنها به عنوان نمره کل سرمایه روانشناختی محسوب می شود. نسبت خی دو این آزمون برابر با ۲۴/۶ است و آماره های CFI، RMSEA در این مدل به ترتیب ۰/۹۷ و ۰/۰۸ بودند (هاگس[1]، ۲۰۰۸). همچنین در پژوهش حاضر میزان پایایی آن بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد.

پرسشنامه طرحواره‌های نقش جنسیتی: برای اندازه گیری طرحواره‌های جنسی، از مقیاس طرحواره های جنسیتی بم[2] که درسال ۱۹۹۴، توسط ساندرا بم تدوین شده است، استفاده شد.. فهرست نقش جنسیتی بِم اولین بار در سال ۱۹۷۴ ساخته و از آن پس تبدیل به یکی از پرکاربردترین ابزارهای جهان شد. ساندرابم روان شناس(۱۹۷۴) آزمونی تهیه کرد که دو جنسیتی بودن را اندازه گیری می کند. این آزمون شامل ۶۰ صفت یا عبارت توصیفی است. از پاسخ دهندگان در خواست می شود برای هر مورد نشان بدهند که در مقیاسی از ۱ (هرگز یا تقریبا هرگز درست نیست (تا ۷) همیشه یا تقریبا همیشه درست است)

1 Hughes LW. A
2 Bem Sex Role Inventory

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.1.8.5]
[DOI: 10.52547/rbs.19.1.45]

آن صفت تا چه حد می تواند آنها را توصیف کند. از ۶۰ صفت موجود ۲۰ صفت به صورت کلیشه ای زنانه است و ۲۰ صفت به صورت کلیشه ای مردانه و ۲۰ صفت خنثی است. یعنی رفتار وابسته به جنسیت نیست. موارد ۱، ۴، ۷، و غیره موارد مردانه هستند و سوالات ۲، ۵، ۸، و غیره زنانه و سوالات ۳، ۶، ۹ و غیره خنثی هستند. بنابراین خود اتکایی مردانه، مطیع بودن ویژگی زنانه و مهربانی، ویژگی خنثی محسوب می شود. مهرایی زاده و همکاران به منظور برآورد پایایی آزمون فرم کوتاه نقش جنسی بم و مولفه های آن ضرایب آلفای کرونباخ آنها را محاسبه نمودند.ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۰ به دست آمد که نشانگر سطح بالای هماهنگی درونی آزمون است.

شرکت کنندگان در گروه آزمایش پس از مراجعه به مرکز مشاوره و روان شناسی در نظر گرفته شده در شهر تهران و ارزیابی توسط ابزارهای پرسشنامه و مصاحبه و تشخیص سرمایه روان شناختی و طرحواره های منفی جنسیتی (یک انحراف معیار پایین تر از میانگین)، ملاک های اصلی ورود به پژوهش و اجرای آموزش ها و درمان ها را دریافت کردند. به منظور رعایت نکات اخلاق پژوهشی، ابتدا رضایت شرکت کنندگان جهت ورود به فرآیند پژوهش به صورت کتبی گرفته می شود و همچنین در مورد محرمانه ماندن اطلاعات به آن ها اطمینان داده می شود. پس از توضیح اهداف پژوهش به صورت تصادفی ۱۵ نفر در گروه کنترل و ۱۵ نفر در گروه آزمایش اول (عدالت خواهی جنسیتی) قرار گرفتند. شرکت کنندگان گروه آزمایش تحت ۸ جلسه هفتگی ۹۰ دقیقه ای آموزش عدالت خواهی جنسیتی(محقق ساخته) مبتنی بر آموزه های اسلامی–ایرانی قرار گرفتند و پس از اتمام مداخله گروه آزمایش و کنترل مورد پس آزمون واقع شد.

خلاصه محتوای جلسات آموزشی مبتنی بر عدالت خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه های دینی

جلسه اول. اجرای پیش آزمون- آشنایی درمانگر و اعضای گروه با یکدیگر، گفتگو درباره هدف تشکیل جلسات و ساخت کلی آن، بررسی انتظارات از برنامه جلسه اول درمانی، آشنایی با اصول کلی عدالت خواهی جنسی و آشنایی با محتوای آموزه های دینی بر حفظ و رشد جایگاه زنان در جامعه و اشتغال و تحصیل آنان.

جلسه دوم. توضیح و تشریح عدالتخواهی جنسیتی: اینکه عدالتخواهی جنسیتی چیست و چگونه میتوان از طریق آن بر مشکلات فائق آمد. بیان مفاهیم آزادی، انتخاب، آگاهی و مهارت اجتماعی و قدرت بین فردی/اجتماعی و قدرت در حیطه معنوی، همراه با تمرین جلسه دوم.

جلسه سوم. آشنایی با نقش یک زن در جامعه و فشار آن نقش و مقابله مؤثر با آن نقش و تحمیل انتظارات و محدودیت ها از سوی جامعه، مقابله های دینی برابر ایده های سلطه گرایانه و بینش افزایی با استفاده از نظریات اندیشمندان اسلامی

جلسه چهارم. ارائه توضیح در مورد نقش دین در مبارزه با تصورات قالب جنسیتی: پیوند موضوعات دینی با مبارزه با تصورات قالب جنسیتی، فراخوانی مذهب بر حفظ حقوق زنان و جنبه های آن، تأکید و مروری بر آموزه های دینی در زمینه ظلم ستیزی و تلاش بر اعاده حق (آیات و روایت و احادیث)، راهکارهای قرآنی در جهت حفظ و رشد سرمایه روان شناختی (شناخت شیوه های توانمند سازی زن در جامعه و نحوه به کار گرفتن آن. استفاده از بازی نقش و صندلی خالی

جلسه پنجم. معرفی کتاب های دینی از اسطورهای دینی و مقابله با بی عدالتی ها، مسئولیت پذیر بودن نسبت به اعمال و رفتار خود

جلسه ششم. آموزش مهارتهای اعتماد به نفس، انتخاب قدرت و هدایت کردن زندگی بر مبنای کنترل خویشتن، ایفای نقش فرد در سه بعد زن قدرتمند، خود زن دارای حق انتخاب و مسئولیت پذیر با استفاده از تکنیک صندلی خالی گشتالت. ویژگی ها و مشخصه های زن ایده آل واقعی از نگاه آموزه های دینی و اسلامی

جلسه هفتم. استناد به قرآن کریم در زمینه آرامش و دوری از استرس و برنامه آموزشی برای افزایش روابط با اعضای خانواده و مهارت های گفت و شنود، معرفی منابع یا کتب دینی برای مطالعه و شناخت نسبت به مسائل مذهبی و دینی

جلسه هشتم. معرفی نظریه خودآگاهی و ارائه منابع قرآنی و احادیث در زمینه خودآگاهی

روش آماری: برای توصیف و تحلیل داده ها از شاخصهای فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، و انحراف معیار و از تحلیل کوواریانس چندمتغیری برای آزمون فرضهای آماری استفاده شد. داده‌های پژوهش به وسیله آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیری مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفت. داده ها با کمک نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ تحلیل شدند.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.1.8.5]
[DOI: 10.52547/rbs.19.1.45]

یافته‌ها

داده‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها نشان داد که میانگین سنی در گروه آموزش عدالت خواهی جنسیتی، ۴/۷۶±۳۳/۰۷ و در گروه کنترل، ۴/۲۴±۳۳/۷۸ سال می‌باشد. همان‌طور که در جدول شماره (۲ مشاهده می‌شود، آزمون خی دو برای بررسی استقلال متغیرهای جمعیت‌شناختی در گروه‌ها نشان می‌دهد که تخصیص این متغیرها در دو گروه تفاوت معناداری ندارد. نتایج این آزمون برای متغیر سن (x^2=۰/۴۷۶، p=۰/۷۵۵)، وضعیت شغلی والدین (x^2=۰/۲۰۷، p=۰/۹۰۲)، وضعیت تحصیلات دانشگاهی/غیردانشگاهی در والدین (x^2=۰/۵۵۶، p=۰/۷۵۷) و ترتیب تولد (x^2=۳/۲۸۹، p=۰/۵۱۱) در دو گروه در تمامی متغیرها برابر است.

در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمره‌های سرمایه روانشناختی و طرحواره‌های نقش جنسی در دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل نشان داده شده است.

جدول ۱. اطلاعات توصیفی مربوط به متغیرهای سرمایه روانشناختی و طرحواره‌های جنسیتی در پیش آزمون و پس‌آزمون

متغیر	گروه ها				
	مرحله	گروه آزمایش		گروه کنترل	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
سرمایه روانشناختی					
خودکارآمدی	پیش آزمون	۱۲/۲۷	۴/۰۱	۱۴/۱۳	۳/۳۶
	پس آزمون	۱۹/۴۷	۳/۹۱	۱۵/۰۷	۴/۰۶
امیدواری	پیش آزمون	۱۶/۲	۳/۹۱	۱۴/۸	۳/۳۸
	پس آزمون	۲۰	۳/۸۹	۱۶/۶۷	۳/۸۷
تاب آوری	پیش آزمون	۱۶/۲	۳/۵۵	۱۴/۶۷	۴/۳۵
	پس آزمون	۱۹/۴	۳/۴	۱۵/۶	۴/۳۷
خوشبینی	پیش آزمون	۱۳/۶۷	۵/۸۴	۱۳/۴۷	۳/۶
	پس آزمون	۱۸/۹۳	۳/۱۵	۱۴/۵۷	۴/۸۶
طرحواره های جنسیتی					
طرحواره زنانگی	پیش آزمون	۵۷	۱۲/۱۸	۶۱/۸	۱۲/۰۸
	پس آزمون	۶۹/۶۷	۳/۸۳	۶۱/۴	۷/۹۸
طرحواره مردانگی	پیش آزمون	۶۰/۰۷	۸/۸۴	۵۷/۴۷	۸/۹۸
	پس آزمون	۳۹/۶۷	۶/۳۸	۶۱/۵۳	۷/۹۶

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین پیش‌آزمون در گروه آزمایش و کنترل در متغیرهای سرمایه روانشناختی، طرحواره های جنسیتی و مؤلفه های آنها در سطح پایینی است. اما تفاوت گروه آزمایش در پس‌آزمون نسبت به گروه کنترل قابل ملاحظه است.

برای تحلیل داده ها و به منظور کنترل اثر پیشآزمون از روش تحلیل کواریانس چندمتغیری استفاده شد. یکی از مفروضه های آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیری، بررسی همسانی ماتریسهای واریانس-کواریانس است؛ لذا از آزمون باکس استفاده گردید [برای سرمایه روان شناختی (p>۰/۰۵) و برای طرحواره جنسیتی (p>۰/۰۵) محاسبه شد میزان معناداری آزمون باکس از ۰/۰۵ بیشتر است؛ لذا نتیجه گرفته شد که در ماتریسهای واریانس و کواریانس، همگنی رد نشد. برای بررسی همگونی واریانس دو گروه در مرحله پس آزمون، از آزمون همگونی واریانسهای لوین استفاده شد. آزمون لوین محاسبه شده در مورد هیچ یک از متغیرهای مورد بررسی از لحاظ آماری معنادار نبود. خودکارآمدی (p>۰/۰۵)، امیدواری (p>۰/۰۵)، تاب آوری (p>۰/۰۵)، خوشبینی (p>۰/۰۵)، طرحواره مردانگی (p>۰/۰۵)، رحواره زنانگی (p>۰/۰۵) است. بنابراین مفروضه همگونی واریانسها نیز رد نشد.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.1.8.5]
[DOI: 10.52547/rbs.19.1.45]

مفروضه مهم دیگر تحلیل کواریانس چندمتغیری، همگونی ضرایب رگرسیون است. لازم به ذکر است که آزمون همگونی ضرایب رگرسیون از طریق تعامل پیش آزمون متغیرهای سرمایه روانشناختی و طرحواره های نقش جنسیتی و مؤلفه‌های آنها و متغیر مستقل (درمان عدالت خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه های دینی) در مرحله پس آزمون مورد بررسی قرار گرفت. تعامل این پیش‌آزمون ها با متغیر مستقل معنادار نبوده و حاکی از همگونی ضرایب رگرسیون می‌باشد. در واقع نتایج نشان داد که تعامل گروه و پیش‌آزمون در سطح ۰/۰۵ معنیدار نمی‌باشد؛ لذا داده ها از فرضیه همگنی شیبهای رگرسیون پشتیبانی می‌کنند و این فرضیه پذیرفته می‌شود. برای تعیین توزیع جامعه (نرمال بودن داده‌ها) از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف استفاده شد، در آزمون انجام شده سطح $p>۰/۰۵$ بود که نشان دهنده ی نرمال بودن توزیع جامعه است. با توجه به برقراری مفروضه های تحلیل کواریانس چندمتغیری، استفاده از این آزمون مجاز خواهد بود.

جدول ۲. نتایج آزمون چندمتغیری لامبدای ویلکس برای مقایسه گروه‌ها در متغیرهای پژوهش

متغیر	مقدار	F	df فرضیه	df خطای	سطح معناداری	مجذور اتا	توان آماری
سرمایه های روان شناختی	۰/۴۹	۵/۳۹	۴	۲۱	۰/۰۰۴	۰/۵۱	۰/۹۳
طرحواره های جنسیتی	۰/۲۱	۴۵/۵۳	۲	۲۵	<۰/۰۰۱	۰/۷۸	۱

جدول ۲ نشان می‌دهد که در یکی از حیطه ها بین دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد؛ اما برای زمون تحلیل کواریانس چندمتغیری در متن مانکوا تشخیص اینکه در کدام حیطه ها تفاوت معنادار است، از استفاده شد که نتایج در جدول ۴ آمده است.

جدول ۳. تحلیل کواریانس چندمتغیری نمرات سرمایه روانشناختی و طرحواره های جنسیتی در دو گروه

متغیر	SS	df	MS	F	p	مجذور اتا	توان آماری
خودکارآمدی	۹۴/۶۴	۱	۹۴/۶۴	۹/۰۴	۰/۰۰۶	۰/۲۷	۰/۸۲
امیدواری	۵۶/۶۴	۱	۵۶/۶۴	۳/۲۸	۰/۰۸۲	۰/۱۲	۰/۴۱
تاب آوری	۶۹/۳۹	۱	۶۹/۳۹	۴/۲	۰/۰۵	۰/۱۵	۰/۵۰
خوشبینی	۲۴۹/۳۳	۱	۲۴۹/۳۳	۱۶/۹۴	<۰/۰۰۱	۰/۴۱	۰/۹۸
طرحواره زنانگی	۵۲۰/۳۴	۱	۵۲۰/۳۴	۱۲/۷۹	<۰/۰۰۱	۰/۳۳	۰/۹۳
طرحواره مردانگی	۳۷۴۰/۵	۱	۳۷۴۰/۵	۹۴/۶۹	<۰/۰۰۱	۰/۷۸	۱/۰۰

توجه به مندرجات جدول ۳ مقدار F برای مؤلفه خودکارآمدی ۹/۰۴۳ به دست آمد که در سطح ($p<۰/۰۰۶$)، برای مؤلفه تاب آوری ۴/۲۰۰ به دست آمد که در سطح ($p<۰/۰۵$)، معنی دار است. برای مؤلفه خوشبینی مقدار F برابر ۱۶/۹۳۶ به دست آمد که در سطح ($p<۰/۰۰۱$)، و برای مؤلفه طرحواره زنانگی ۱۲/۷۸۷ به دست آمد که در سطح ($p<۰/۰۰۱$)، برای مؤلفه طرحواره مردانگی ۹۴/۶۸۸ به دست آمد که در سطح ($p<۰/۰۰۱$)، معنادار است و با توجه به اندازه اثر محاسبه شده ۲۷ درصد تغییر در مؤلفه خودکارآمدی، ۱۵ درصد تغییر در مؤلفه تاب آوری، ۴۱ درصد تغییر در مؤلفه خوشبینی ، ۳۳ درصد تغییر در مؤلفه طرحواره زنانگی، ۷۸ درصد تغییر در مؤلفه طرحواره مردانگی، ناشی از تأثیر متغیر مستقل (درمان عدالت خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه های دینی) بوده است. اما برای مؤلفه امیدواری ۳/۲۸۴ به دست آمد که ($p<۰/۰۸۲$) معنادار نبود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه میزان اثربخشی درمان عدالت خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه های دینی بر سرمایه روانشناختی و طرحواره های جنسیتی دختران با تاخیر در ازدواج انجام شد. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد مداخله

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.1.8.5]
[DOI: 10.52547/rbs.19.1.45]

عدالت خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه های دینی بر سرمایه روان شناختی و طرحواره های نقش جنسیتی تأثیر معناداری داشت. در تبیین این یافته پژوهش در زمینه تأثیر این بسته آموزشی می توان به توضیحات زیر اشاره کرد. دختران گروه آزمایش مداخلاتی در جلسه مصاحبه نخستین، مشکل تاب آوری، خوشبینی، خودکارآمدی و امیدواری و افکار کلیشه ای در طی سال های اخیر و یا بر اثر فشار اطرافیان را گزارش دادند. چون عدالت خواهی جنسیتی و آموزش آن باعث تعدیل احساسات بدون قضاوت و افزایش آگاهی نسبت به جایگاه زنان در جامعه و اشتغال و تحصیل آنان و خودکارآمد تر شدن آنان در جنبه های مذکور گردید. واضح تر دیدن و پذیرش مشکلات در زندگی مجردی و دنیای بدون ازدواج، تعدیل نگرش آنان به ازدواج به عنوان مرحله ای با چشم انداز تماما مثبت و فاضله، به توانمندی فکری و باورهای خودکارآمدی دختران کمک نمود و در نتیجه در تعدیل نمره سرمایه روان شناختی و تفکرات قالبی مؤثر واقع گردد. بر اساس این مدل به دختران آموزش داده شد تا به مفهوم عملیاتی عدالت خواهی جنسیتی (مفاهیم آزادی، انتخاب، آگاهی و مهارت اجتماعی و قدرت بین فردی/اجتماعی و قدرت در حیطه معنوی) و اینکه چگونه میتوان از طریق آن بر مشکلات فائق آمد، بیان شد (۱۲). افزون بر این، این آموزش الگویی برای آموزش توانشهای ذهن کارآفرین، آشنایی با نقش یک زن در جامعه و فشار آن نقش و مقابله مؤثر با آن نقش و تحمیل انتظارات و محدودیت ها از سوی جامعه، مقابله های دینی برابر ایده های سلطه گرایانه و بینش افزایی با استفاده از نظریات اندیشمندان اسلامی را مهیا نمود. همچنین در این شیوه،آنها با فنونی که مربوط به تجربه کردن لحظه حال وبه دور از ترس و نگرانی درباره آینده با رویکردهای دینی آشنا شدند. افزون براین، این نگرش در آن ها به وجودآمد که به تمامی امور (خوشایند و ناخوشایند) پذیرش بدون داوری داشته باشند. علاوه بر این، به ارائه توضیح در مورد نقش دین در مبارزه با تصورات قالب جنسیتی: پیوند موضوعات دینی با مبارزه با تصورات قالب جنسیتی، فراخوانی مذهب بر حفظ حقوق زنان و جنبه های آن، تأکید و مروری بر آموزه های دینی در زمینه ظلم ستیزی و تلاش بر اعاده حق (آیات و روایت و احادیث)، راهکارهای قرآنی در جهت حفظ و رشد سرمایه روان شناختی (شناخت شیوه های توانمند سازی زن در جامعه و نحوه به کار گرفتن آن پرداخت . دختران شرکت کننده در این پژوهش به این نکته پی بردند که افکار عدالت خواهانه را بیشتر در خود بنگرند و توانستند به این بینش برسند که آیا باورها و تفکرات و رفتارها نسبت به خود عادلانه است، و نسبت به خود شفقت و خود دوستی دارند یا خیر؟ اینکه آیا احساسات و افکار آن ها بازتابی از واقعیت هستند، یا افکار نادرستی هستند که منجر به تنزل سلامت روانی و خودکارآمدی آن ها می شوند. از اینرو می توان نتیجه گرفت آموزش عدالت خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه های دینی از این نظر که مهارت افزایی و آگاهی افزایی فرد را نسبت به باورها و رفتارهای خود بیشتر می کند و آموزش آن باعث نظم بخشی به احساسات روانی میشود، می تواند به رشد و ارتقاء سرمایه روان شناختی و بهبود طرحواره های جنسیتی دختران با تجرد قطعی کمک کند.

نتیجه‌ی کلی گویای آن است که، آموزش عدالت‌خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه های دینی بر مؤلفه خودکارآمدی سرمایه روان شناختی و بر افزایش خودکارآمدی دختران اثربخشی داشته است. یافته های این پژوهش با یافته پژوهش های ابراهیمی‌فر و همکاران (۱۳) همسو بود. عدالت‌خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه های دینی دارای قابلیت هایی است که دختران و زنان با یادگیری و انجام مهارت های مرتبط با آن خودکارآمدی را کسب می‌کنند. در طی آموزش عدالت‌خواهی جنسیتی، به آموزش شناختی –رفتاری عزت نفس پرداخته شد. عزت نفس یکی از عوامل تعیین کننده رفتار در انسان به شمار می‌رود . فردی که عزت نفس پایین دارد و برای خود ارزش و احترامی قایل نیست، ممکن است دچار انزوا، گوشه گیری و یا خودکارآمدی پایین و عدم اعتماد به نفس شود. آموزش عدالت‌خواهی جنسیتی الگوی توانمندسازی را برای زنان فراهم می کند و موجب می شود با به کارگیری تجربه ها، فعالیت هایی مانند یادگیری و یا رفتارهای جایگزین و سازگارانه تر منظم تر شود. در طی آموزش به تحلیل نقش جنسیتی و اثرات انتظارات نقش جنسیتی در زندگی شان پرداخته شد و با ارائه مثال هایی در پی بینش افزایی دختران نسبت به تأثیر مسائل و موضوعات اجتماعی در مشکلات شان پرداخته شد. در تبیین فرضیه فوق می توان گفت که بیان تجارب مثبت و خوب خود و دریافت بازخورد از سایر اعضا، از قوی ترین مراحل روش عدالت خواهی جنسیتی در شناخت توانایی های قابل اتکا بود که در افزایش خودکارآمدی نقش داشت. در تکلیفی از دختران خواسته شد تا نقاط مثبت، موفقیت ها و استعدادهای خود را ثبت کنند و به نوعی خود را مورد بازبینی قرار دهند. وقتی فرد نسبت به استعدادها و موفقیت های خودش آگاه می‌شود؛ این امر باعث

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.1.8.5]
[DOI: 10.52547/rbs.19.1.45]

می شود که به راحتی تسلیم دیگران نشود، به داشته های خودش تکیه کند، ابتکار عمل به خرج دهد، لیاقت و قدرت به دست آورد، حس خودکم بینی فرد نسبت به خودش کم می شود، اشتغال های ذهنی منفی کم و نسبت به خود حس خوبی پیدا می کند. ممکن است در فعالیت های بیشتری شرکت کند. پس نگرش دیگران نسبت به او تغییر می کند و با او بهتر رفتار می کنند، درنتیجه احساس ارزشمندی می کند و این همان چیزی است که باعث افزایش استقلال عاطفی و خودکارآمدی در فرد می شود (۱۴) .آموزش عدالت خواهی جنسیتی میتنی بر آموزه های دینی با تمرکز بر هدف گزینی فرد برای مشکلات زندگی و تعیین گذرگاه هایی برای رسیدن به اهداف و مقابله با چالش های زندگی توانست باعث کاهش احساس درماندگی ، بالارفتن عزت نفس و خودکارآمدی، احساس خود ارزشمندی؛ افزایش معنادار شجاعت و جسارت افراد نامداری، برانگیختن فرد برای ایجاد رفتارهای انطباقی و مدیریت کردن وحل مشکلات خود در محیط و در نهایت عملکرد روان شناختی بهتر و خودکارآمدی می شود (۱۵).

با توجه به آنکه یکی از تکنیک های مورد استفاده در بسته آموزش عدالت خواهی جنسیتی میتنی بر آموزه های دینی، آموزش مثبت نگری بود، این یافته می تواند همسو با پژوهش رشیدزاده، و همکاران (۱۶) باشد.

آموزش عدالت خواهی با تحت تأثیر قرار دادن احساسات و تلقین فرد نسبت به خود باعث گردید که افراد در مقابل عواطف و احساسات، هیجان خود را کنترل نمایند. در بعد نگرانی زیاد توأم با استرس با توجه به اینکه ناراحتی واضطراب زیاد مانع ارزشیابی عینی حوادث خطرناک وترس آور و مقابله منطقی باآن، افزایش ظهور خطر و بدتر شدن حوادث و وقایع خواهد شد (۱۷)؛ بنابراین با توجه به کارکردهای عدالت خواهی جنسیتی مبتنی آموزه های دینی و تأثیر آن بر روی شناسایی مشکلات و ارائه راه حل هایی در مورد آن ها، باعث شده است که این بعد یعنی تاب آوری تقویت شود.

دیگر نتیجه‌ی این پژوهش گویای آن است که، آموزش عدالتخواهی جنسیتی میتنی بر آموزه های دینی بر افزایش امید دختران اثربخشی نداشته است. هر چند تاثیر این آموزش بر مؤلفه امیدواری معنادار نشد، اما منجر به افزایش آن شد. در همین زمینه می توان گفت از آن جایی که این آموزش می تواند رشد الگوی فکری مناسب شود و افراد می توانند طرز شناخت ارزیابی های غیرمنطقی و نامعقول خود را بیاموزند، طبعاً به افراد قدرت می دهد تا با مشکلات پیش رو مقابله سالم داشت باشند، امیدوار شوند و با جریان زندگی حرکت کنند (۱۸) آموزش احتمالا می تواند منشا تغییرات، از جمله تغییر در نگرش ها و باورها باشد و این امر به نوبه خود باعث افزایش امیدواری می شود. تبیین احتمالی برای عدم تأیید این فرضیه آن است که از آنجایی که مهارتهایی که در این پژوهش آموزش داده شدند (همدلی، ابراز وجود، حل مسئله و تصمیم گیری) تنها بخشی از عدالتخواهی جنسیتی بودند، نتوانسته اند تأثیر معنی داری در افزایش امیدواری بر جای گذارند. در دوره نوجوانی و جوانی، دختر به دنبال اعتبار بیرونی برای امیدها و رؤیاهای عمیق خود به عنوان یک زن است و وقتی آنچه را می خواهد پیدا نمی کند، طبیعتاً خشمگین، هراسناک یا نومید می گردد و این یکی از دلایل انقلاب جوانی است. این پیامدی طبیعی است. مقاومت در برابر تغییر افکار عاملی دیگر است که مانع از این می شود که فرد افکار و رفتار خود را تغییر دهند. تغییر، مشکل و تهدیدکننده است. به همین خاطر افراد تمایل دارند در وضعیت قبلی خود باقی بمانند. عموماً افرادی که برای پشتیبانی از استقلال شان تلاش می کنند، در برابر افرادی که اختیار کنترل اعمال آنها را دارند مقاومت نشان می دهند.

یافته‌های تحلیل کوواریانس حاکی از آن بود که آموزش عدالتخواهی جنسیتی بر مؤلفه خوشبینی تأثیر معناداری داشته است. نتایج این بحش با نتایج بروک و همکاران (۱۹) و جانسون و همکاران (۲۰) همراستا می باشد. احتمالاً آموزش عدالتخواهی جنسیتی با تغییر در روش تفکّر و کسب مهارت های جدید باعث ایجاد خلّاقیت در فرد می شود، که این خود باعث خارج شدن از عادت و بهبود بینش در حل مسأله می شود، که فرد با نگاهی مثبت و راه حل مدار، خوشبینی بالاتری نسبت به رویدادها خواهد داشت (۲۱). در نتیجه با توجه به اثربخشی آموزش عدالت خواهی بر مؤلفه خودکارآمدی، با توجه به ارتباط خودکارآمدی با خوشبینی (۲۲) در سرمایه روا شناختی، ممکن است آموزش عدالتخواهی جنسیتی با اثرگذاری بر روی این مؤلّفهٔ سرمایه روان شناختی شده، خوشبینی را در افراد افزایش دهد.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که آموزش عدالتخواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه های دینی باعث ارتقای طرحواره زنانگی دختران شده است. این فرض از این واقعیت ناشی شد که نقش بسته آموزشی متمرکز بر عدالت خواهی جنستی، بر فعالسازی صفات زنانگی به عنوان سازهای شخصیتی که واجد

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.1.8.5]
[DOI: 10.52547/rbs.19.1.45]

ملاک های رفتاری جنس زن است، طرحواره های نقش جنسیتی در ارتباط با دختران با تاخیر ازدواج از آن جهت قابل اهمیت می باشد که اغلب این دختران به دلیل سیستم حمایتی ضعیف، و پذیرش پایین خود در محیط اجتماعی عملکرد مناسبی ندارند. آموزش عدالت خواهی جنستی با یادگیری مهارتی ملموس و عینی که غالبا ماهیتی روانشناسانه دارد، در مرحله اول با خود ارزیابی، افراد را به تعمق در مورد مسائل مربوط به خویشتن وامی دارد و آنان را متمرکز بر ساماندهی محیط، برنامه ریزی برای نیل به اهداف می کند تا با یادگیری خود تنظیمی شناختی، باورمندی و خودکارآمدی را در آنان افزایش دهد.

مداخله، دختران از نقش طرحواره ذهنی و کلیشه های فرهنگی و تأثیر آن ها در ارزیابی های ذهنی از زندگی اجتماعی و شغلی و رضایتمندی از زندگی در شرایط بدون ازدواج آگاه شدند و اهمیت این عوامل آموزش داده شد تا از این طریق میزان مسائل و مشکلات جنسی در زندگی زناشویی کاهش یابد.آگاه سازی دختران در خصوص لزوم توانمندسازی خود و آمادگی روانی-اجتماعی جهت مدیریت دوران زندگی بدون ازدواج و مراحل بعدی زندگی اقدامی اساسی است. در کلاس های آموزش عدالت خواهی جنسیتی دختران ضمن تشریح عوامل استمرار و دوام نقشهای جنسیتی تفکیک شده ، به نقش نهادهای جامعه پذیری از جمله خانواده، مدرسه، گروه همسلان و رسانه های جمعی در نقش های جنسیتی و انتظاراتی که آنها از دختران مجرد و متأهل ایجاد می نمایند به عنوان یک هنجار پرداخته شد که باعث همنوایی بیشتر با این هنجارها گردید. در طی آموزش نقش های جنسیتی، نقش های انسانی سازگارانه و ورای جنسیت به آنها نیز آموخته شد.

صفات زنانگی با ارزیابی شناختی چالشی ارتباط مثبت دارد، صفات زنانگی با مقابله فعال (۲۳)، زنانگی به طور مستقیم با جستجوی حمایت اجتماعی و تفکر مثبت مرتبط است (۲۴). تحقیقات همچنین نشان می دهد که وقتی زنان در جامعه "بسیار مردانه" باشند (با توجه به انتظارات اجتماعی) ، از سلامت کلی زنان و مردان کاسته می شود (۲۵). به این معنی که مزایای سلامتی برابری فقط پس از تغییر انتظارات اجتماعی حاصل می شود

یافته دیگر پژوهش نشان داد که آموزش عدالتخواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه های دینی باعث ارتقای مؤلفه مردانگی طرحواره های نقش جنسیتی دختران می شود نتایج مطالعات نشان داد، سطح اعتماد به نفس در زنان با طرحواره مردانگی بالاتر از کسانی بود که طرحواره زنانگی داشتند (۲۶) تناقض میان عناصر گوناگون فرهنگی جامعه از جمله میان نظام آموزشی در دانشگاهها و نظام خانواده، دختران با تأخیر در ازدواج را در درونی کردن ارزش های جنسیتی بیشتر دچار سردرگمی کرده است. یک نظام به حضور بیشتر در اجتماع و استقلال و مهارت افزایی تأکید می نماید و دیگری به تشکیل خانواده و ازدواج بیشتر تأکید دارد، در این پژوهش سعی بر آن شد با آگاهی به موقعیت دختران و فرصت ها و امکانات پیش رو، و کلیشه های جنسی درونی شده حاصل از این نظام ها، نقش ها جنسیتی مورد انتظار آنان، علایق فردی و فشارهای تحمیلی از جانب محیط و با یادگیری نقش ها به عنوان یک دخترها در خانواده و اجتماع و موانع و تعارضات پیش رو پرداخته شد. بنابراین با تفکیک کلیشه های جنسیتی و نقش های جنسیتی مورد انتظار آنان به این مهم آگاهی یافتند.

نتایج بررسی حاضر نشان داد که با طراحی برنامه های طولانی مدت به منظور آموزش عدالت خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه های اسلامی به دختران با تأخیر سن ازدواج موجب اعتماد به نفس آنان و احساس بهتری نسبت به جنسیت خود هم جنس خود می شود که به این طریق طرحواره زنانگی در آنان تقویت شده است.

از جمله محدودیتهای پژوهش حاضر، این است که نتایج و یافته های بدست آمده تنها قابل کاربرد در جامعه آماری پژوهش حاضر می باشد و نمی توان آن را به جامعه آماری دیگر تعمیم داد. انسانی و... در جهت اجرای هرچه بهتر مداخلات درمانگری همراه با نمونه بزرگتر که نماینده واقعی آن سازمانهای مربوط بوده و نتایج قابلیت تعمیم بیشتری داشته باشند، اقدام گردد. عدم امکان همسان سازی گروه های مداخله و شاهد از نظر متغیرهای جمعیت شناختی و مرحله درمان بود که به دلیل کوچک بودن حجم نمونه میسر نبود. با نگاهی به پژوهش ها و نظریه ها، متوجه این موضوع خواهیم بود که، کمبود برنامه های آموزشی و مداخله ای برای مسائل و مشکلات زندگی مجردی یا بدون ازدواج به خصوص در دختران با تأخیر ازدواج انتخابی یا اجباری، نیازمند به ارائه برنامه ها و آموزش هایی از این نوع است، به خصوص با شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور، گامی اساسی در سلامت عمومی و اجتماعی این قشر برداشت و راه را برای خودشکوفایی و توانمندی دختران با تاخیر در ازدواج هموار نمود. با توجه به آن که در این پژوهش به مقایسه بسته

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.1.8.5]
[DOI: 10.52547/rbs.19.1.45]

آموزشی مورد نظر با رویکرد تازه و نسبتا جدیدی پرداخته شد، یافته های مطالعه حاضر نشان دهنده این مفهوم ضمنی است که در اجرا و ارائه و تدوین هر بسته آموزشی – مداخله ای، نیازمند توجه به متغیر جنسیت است، چه بسا اجرای یک مداخله با زیربنای نظری قوی، نتواند برای جنس دیگری مناسب باشد.

تقدیر و تشکر

مطالعه حاضر برگرفته از پایان‌نامه مقطع دکتری روانشناسی عمومی مصوب دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز می‌باشد. بدین‌وسیله از مدیریت دانشگاه، استاد راهنما، مشاور، داور و تمامی افرادی که در انجام این تحقیق مرا یاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

References

1. Xu Y, Burleson BR. Effects of sex, culture, and support type on perceptions of spousal social support: An assessment of the "support gap" hypothesis in early marriage. Human Communication Research. 2001;27(4):535-66.
2. Kazemipour Shahla. Evolution of women's marriage age in Iran and demographic factors affecting it. Women in Development and Politics. 2004;10(2):103-24.
3. Abbaszadeh Mohammad NN. The study of underlying substrates of delay in girls' marriage suing descriptive phenomenology Journal of Women Culture and Arts. 2017;8(4):493-516. [In Persian].
4. Nourbakhsh Morteza, Mardani Somayeh, Qassam Ali, Ashrafi Ahmad. A Study of Factors Affecting the Marriage Age of Girls from a Sociological Perspective (Qualitative Study),. The First National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social Studies and Farhangi, ; Tehran: Tehran; 2014. [In Persian].
5. Luthans F, Avey JB, Avolio BJ, Peterson SJ. The development and resulting performance impact of positive psychological capital. Human resource development quarterly. 2010;21(1):41-67.
6. Kheftan Parvaneh, Gholami Jam Fatemeh, Amirpour Borzoo, Arshi Maliheh, Eghlima Mostafa, Rahgozar Mehdi. Comparison of Self –Efficacy between single and married people with epilepsy(Emphasizing the family role to improve health(Rooyesh-e- Ravanshenasi Journal. 2018;6(4):29-44. [In Persian].
7. Valian V. Beyond gender schemas: Improving the advancement of women in academia. Hypatia. 2005;20(3):198-213.
8. Eagly AH, Nater C, Miller DI, Kaufmann M, Sczesny S. Gender stereotypes have changed: A cross-temporal meta-analysis of US public opinion polls from 1946 to 2018. American psychologist. 2020;75(3):301.
9. Zareshahabadi A, solimani Z. Factors Related to Student's Tendency towards Premarital Relations in Yazd University. Social Welfare. 2012;12(45):391-421. [In Persian].
10. Rahimi Ahmad Abadi Somaye, Kalantari Mehrdad, Abesdi Mohammadreza, Modares Ghorvi Morteza. The role of personality traits and irrational beliefs in predicting gender dissatisfaction Journal of Clinical Psychology & Personality. 2020;18(1):57-65. [In Persian].
11. Shariatmadar Asyeh. Qualitative study of gender schemas and expectations of the role of the abusive spouse in marriage Clinical Psychology Studies 2013;5(17):137-55. [In Persian].
12. Batliwala S. Feminist leadership for social transformation: Clearing the conceptual cloud: CREA New Delhi; 2011.
13. Ebrahimifar Mojgan, Hosseinian Simin , Saffariyan Tosi Mohammad Reza, Abedi Mohammad Reza. To Compare of the Effectiveness of training based on "Acceptance and Commitment Therapy" and "Compassion Focused Therapy" on Self-efficacy, Quality of Relations and Meaning in Life in Infertile Women. Journal of Health Promotion Management (JHPM). 2019;8(3):18-0. [In Persian].
14. Safara Maryam, Moazamabadi Mahboobeh. The effectiveness of positive thinking training on reducing bullying and increasing the emotional independence of adolescents in Tabas Quarterly of ClinicalPsychology Studies. 2017;8(29):161-76. [In Persian].

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.1.8.5]
[DOI: 10.52547/rbs.19.1.45]

15. Petersen MJ. Promoting Freedom of Religion or Belief and Gender Equality in The Context of The Sustainable Development Goals: A Focus on Access to Justice, Education and Health Reflections from The 2019 Expert Consultation Process. 2020.
16. Rashidzadea Abdollah, Beyrami Mansor, Touraghashemi Toraj, mirnasab Mirmahmod. The effect of teaching positive thinking skills based on spiritual resources and religious beliefs on resilience and psychological well-being of mothers with autistic children Journal of Women & Study of family. 2019;12(43):59-83. [In Persian].
17. DiPaolo J, Simpson RM. Indoctrination anxiety and the etiology of belief. Synthese. 2016;193(10):3079-98.
18. Pauley G, McPherson S. The experience and meaning of compassion and self-compassion for individuals with depression or anxiety. Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice. 2010;83(2):129-43.
19. Burke RJ, Richardsen AM, Martinussen M. Gender differences in policing: reasons for optimism? Policing: An International Journal of Police Strategies & Management. 2006.
20. Johnson ME, Cottler LB. Optimism and opioid misuse among justice-involved children. Addictive behaviors. 2020;103:106226.
21. Connell R. New maps of struggle for gender justice: Rethinking feminist research on organizations and work. Gender, Work & Organization. 2019;26(1):54-63.
22. Slami Mohammad ali, Azadi Yadolah, Gharayagh Zandi Hassan, Zaynabosadat E. The relationship between optimism and self-efficacy with motivation for athletic achievement in physical education students Quarterly of Counseling Culture and Psychotherapy. 2018;8(32):11-132.
23. Lengua LJ, Stormshak EA. Gender, gender roles, and personality: Gender differences in the prediction of coping and psychological symptoms. Sex roles. 2000;43(11):787-820.
24. Watkins CD, DeBruine LM, Little AC, Jones BC. Social support influences preferences for feminine facial cues in potential social partners. Experimental Psychology. 2012.
25. De Visser RO, McDonnell EJ. "Man points": Masculine capital and young men's health. Health psychology. 2013;32(1):5.
26. Jahanbakhsh S, Jomehri F, Mujembari AK. The Comparison of Women's Self Confidence in Base of Gender Role. Procedia-Social and Behavioral Sciences. 2015;191:2285-90.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.1.8.5]
[DOI: 10.52547/rbs.19.1.45]